



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بشواری - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

شیلی: نقطه‌ی پایان مس؟

مایکل روبرتز

ترجمه‌ی: کاوس بهزادی



دی ۱۴۰۰

پیروزی گابریل بوریچ رهبر و فعال دانشجویی سابق در انتخابات ریاست جمهوری شیلی نقطه‌ی عطفی تغییرات گسترده‌ی روحیات و سمت‌گیری رای‌دهندگان در این کشور است. در این انتخابات با میزان مشارکت ۵۶ درصد، بالاترین نرخ مشارکت از زمان انتخابات آزاد در شیلی، بوریچ سی و پنج ساله، ۵۶ درصد آراء را در مقایسه با ۴۴ درصد آرای آنتونیو کاست از راست افراطی به خود اختصاص داد.

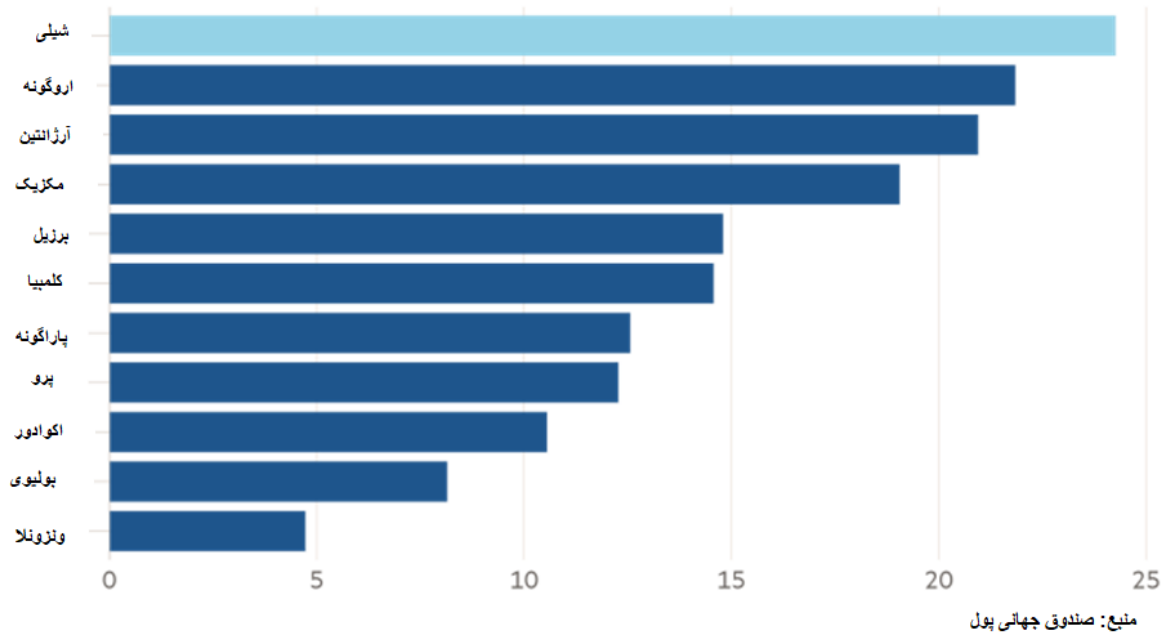
بوریچ وعده‌ی بستن پروژه‌های معادنی که استخراج آن‌ها به محیط زیست آسیب می‌رسانند، افزایش مالیات ثروتمندان، پایان دادن به طرح‌های سیستم بازنشستگی خصوصی و لغو بدهی‌های دانشجویان را داد. بوریچ که بخشی از یک ائتلاف فراگیر چپ از جمله حزب کمونیست شیلی است، در سخنرانی پیروزی خود بعد از انتخابات گفت که با طرح‌های معادنی که استخراج آن‌ها به محیط زیست «آسیب می‌رسانند»، مخالفت خواهد کرد. این طرح‌ها شامل پروژه‌ی مناقشه‌برانگیز ۲/۵ میلیارد دلاری معدن دومینگا است که در سال جاری تصویب شد.

در اوایل سال جاری گروه‌های (ناهمگون) چپ، اکثریت آراء را در مجلس موسسان به خود اختصاص دادند. این مجلس قرار است پیش‌نویس قانون اساسی جدید شیلی را بازنویسی کند تا از این طریق ساختار اقتدارگرایانه‌ی رژیم نظامی پینوشه را پس از ۴۰ سال تغییر دهد. اما کنگره‌ی (مجلس) شیلی دچار شکاف بین ائتلاف نیروهای راست و چپ است.

شیلی براساس سرانه تولید ناخالص داخلی ثروتمندترین کشور آمریکای لاتین است. اما جمعیت ۲۰ میلیونی این کشور در مقایسه با جمعیت کشورهای مکزیک یا برزیل شش تا ده برابر و میزان سرانه تولید ناخالص داخلی آن چهار تا پنج برابر کمتر است. آرژانتین و حتی ونزوئلا از لحاظ جمعیت و سرانه تولید ناخالص داخلی بسیار بالاتر از شیلی هستند.

شیلی ثروتمندترین کشور در آمریکای لاتین

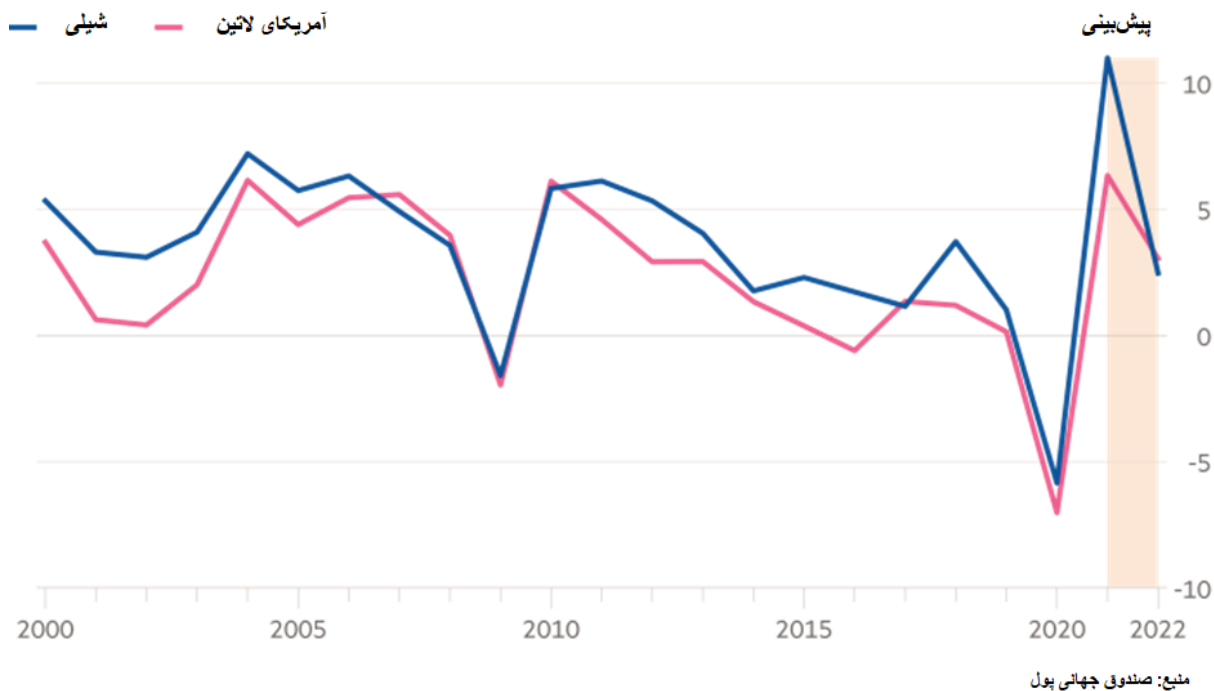
تولید سرانه ناخالص داخلی (\$، برابری قدرت خرید) 2021



با این وجود نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی شیلی به‌طور کلی اندکی بیشتر از بقیه‌ی کشورهای آمریکای لاتین بوده و در نتیجه دولت‌های این کشور نیز نسبتاً باثبات‌تر بوده‌اند. با توجه به این مساله بسیاری از اقتصاددانان و نظریه‌پردازان سیاسی جریان اصلی اغلب از این موضوع استفاده می‌کنند تا ادعا کنند شیلی داستان موفقیت اقتصادی سرمایه‌داری «بازار آزاد» است و این کشور را «سوئیس قاره‌ی آمریکا» می‌دانند. شیلی عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی (OECD)، مجمع کشورهای ثروتمند و بلوک تجاری (نفتا - یو ام سی ای) (۱) با کانادا، مکزیک و ایالات متحده‌ی آمریکا است.

پیشی‌گرفتن اقتصاد شیلی از دیگر کشورهای آمریکای لاتین

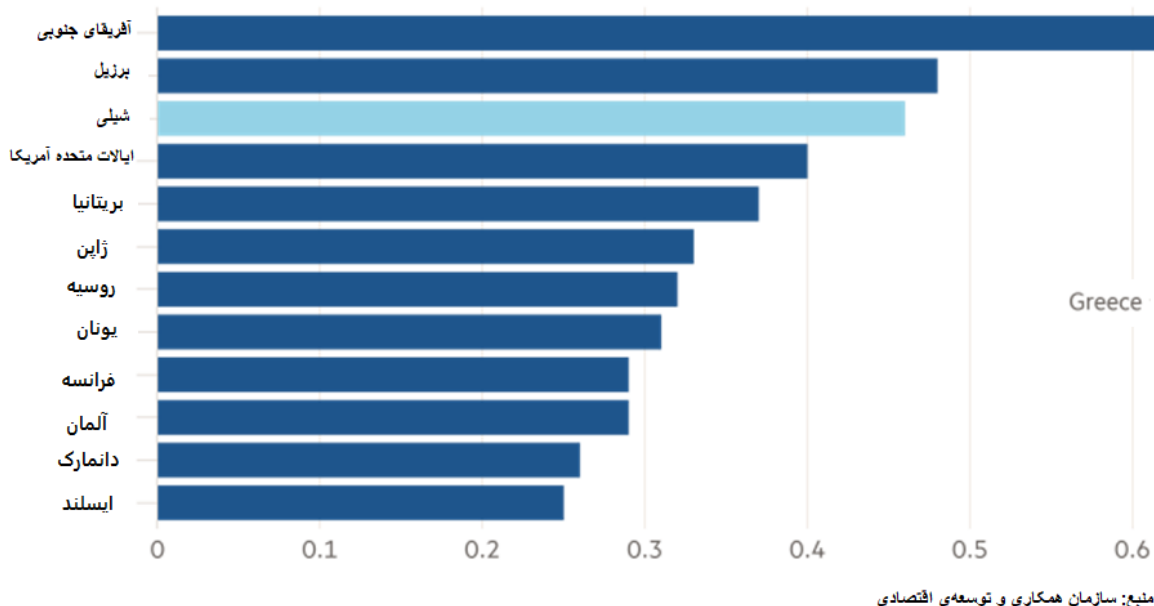
سالانه % تغییر در تولید ناخالص داخلی



اما این موفقیت ظاهری در رشد تولید ناخالص داخلی، در مقایسه با دیگر اقتصادهای کشورهای آمریکای لاتین، صرفاً نسبی است. علاوه بر این چنین سودهایی عمدتاً نصیب ثروتمندان شیلی شده است. نابرابری درآمدها {در شیلی} یکی از بدترین نابرابری‌ها در میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است که در این میان فقط برزیل و آفریقای جنوبی از شیلی پیشی گرفته‌اند.

تابرابری درآمدها در شیلی یکی از بالاترین این نرخ در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است

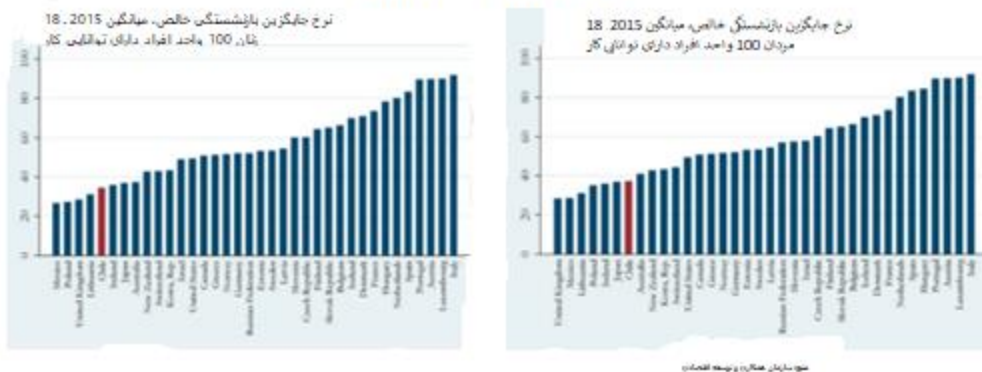
شاخص جیلی (0 برابری کامل، 1 برابر یا حداکثر دابرابری) 2020 یا آخرین داده‌های موجود



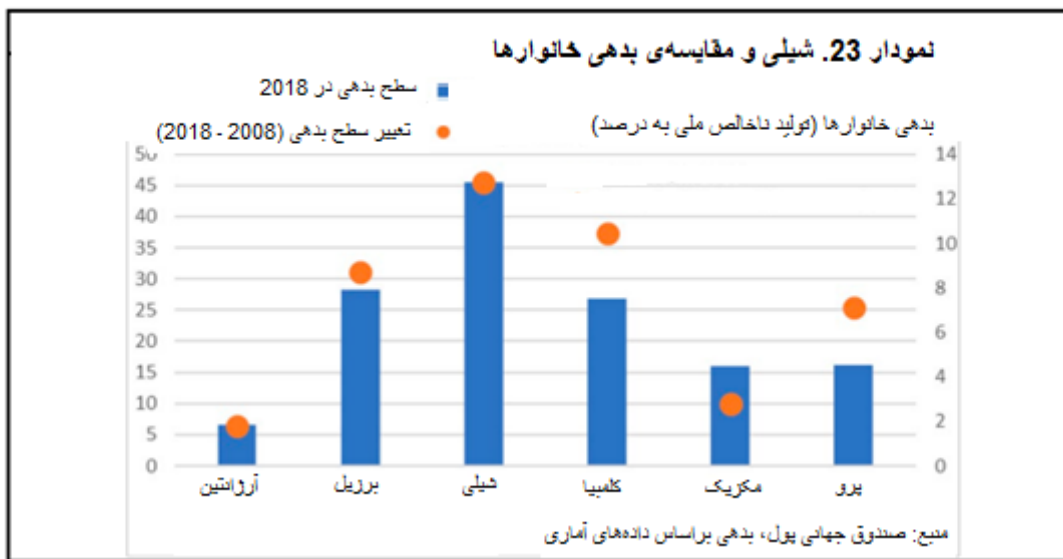
پائین‌ترین دهک‌های سهم درآمد در شیلی یکی از نازل‌ترین نرخ‌ها در سطح جهانی است. فقط شمار کمی از کشورها، عمدتاً از آمریکای لاتین، سهم درآمد نازل‌تری در دهک پائین توزیع دارند و این سهم در ۲۰ سال گذشته به‌طور نسبی بدتر شده است. هزینه‌های اجتماعی (به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی) در شیلی بیش‌تر از مکزیک و پرو است. اما خدمات عمومی کاهش یافته و مردم را مجبور به استفاده از فعالیت‌های سودآور خصوصی کرده است. به‌ویژه حقوق بازنشستگی تحت سلطه‌ی شرکت‌های بخش خصوصی است و اغلب مردم شیلی می‌دانند که پس‌اندازشان برای دوران بازنشستگی نمی‌تواند سطح زندگی مناسبی را برای آن‌ها در دوران پیری تأمین کند.

این امر یکی از مسائل مهم در انتخابات بود که منجر به اعتراضات گسترده برعلیه سیاست‌های سرمایه‌دارگرایانه در سال ۲۰۱۹ (قبل از همه‌گیری کووید) شد و نقطه‌ی عطف آن انتخاب بوریچ است. براساس برآوردهای صندوق جهانی پول «نرخ‌های جایگزین» (یعنی نسبت حقوق بازنشستگی به میانگین درآمد کاری) در شیلی نسبت به سایر اقتصادهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بسیار نازل و این کم‌داشت برای زنان بسیار بیش‌تر از مردان است.

نمودار 22، نرخ جایگزین بازنشستگی



هزینه‌های بالای زندگی و به سرعت در حال افزایش، در کنار رشد محدود درآمد و حقوق بازنشستگی کم، منجر به انباشت مقادیر هنگفتی بدهی بسیاری از خانوارها شده است.



مالیات بر ثروتمندان بسیار نازل است به طوری که توزیع درآمد پائین تر از تمام کشورهای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی و کشورهایی با اقتصاد ضعیف تر است.

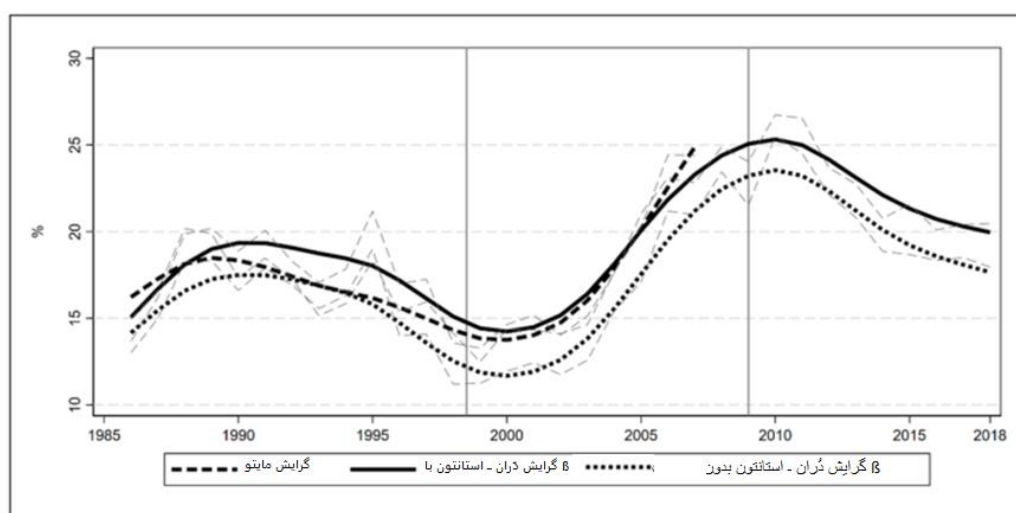
موفقیت نسبی اقتصادی شیلی همواره مبتنی بر صادرات مس و مواد معدنی این کشور بوده است. اگر قیمت مس و مواد معدنی بالا و در حال افزایش باشند به همان نسبت هم وضعیت اقتصاد شیلی بهتر است و برعکس - اما بدهی است که مقدار بسیار کمی از سود شرکت‌های چندملیتی به جیب خانوار متوسط در شیلی «فروبارش» می‌شود.

برخی واکاوی‌های مارکسیستی انجام شده از اقتصاد شیلی نشان دهنده‌ی چگونگی هدایت سودآوری سرمایه در شیلی توسط چرخه‌ی مس هستند. دیگو پولانکو در واکاوی‌اش پیرامون نرخ سود شیلی برای

کل سده‌ی بیستم خاطر نشان کرد که «انباشت سرمایه توسط سودآوری هدایت می‌شود» و «نرخ سود متغیر برای رشد اقتصادی حیاتی است». بر اساس برآورد پولانکو ریزش سودآوری توضیح‌دهنده‌ی مراحل بحرانی در اقتصاد سرمایه‌دارانه‌ی شیلی است. «زمانی که اقتصاد شیلی مزاد نیروی کار داشت دگرگونی‌های فناوری سهم مطلوبی در نرخ سود داشت. اما به مجرد گسترش فرآیند شهرنشینی دگرگونی‌های فناوری شکل گرفت که همان‌طور که مارکس خاطر نشان کرد نقش منفی در سودآوری داشت». بازه‌ی زمانی نئولیبرالی تحت حکومت پینوشه از دهه‌ی ۱۹۷۰ شاهد افزایش سودآوری بود که رژیم را قادر به حفظ سلطه‌اش برای چندین دهه کرد.

گونزالو دُران و مایکل استانتون در پژوهشی جدیدتر نشان دادند که نرخ استثمار در اقتصاد شیلی متناسب با نوسان قیمت مس، افزایش یا کاهش یافته است. در دهه‌ی ۱۹۹۰ سودآوری کاهش یافت زیرا قیمت مس نازل ماند و نرخ سود منطبق با قانون نرخ سود مارکس کاهش یافت. «برعکس در بازه‌ی زمانی عالی، مس از ۲۰۰۴ - ۲۰۰۹ سود مرتبط با دست‌مزد به دلیل افزایش بیش‌ازپیش قیمت مس افزایش پیدا کرد، اما سرمایه‌ی جدید کماکان با هزینه‌ی کم وارد می‌شد و دست‌مزدها نسبتاً ثابت ماند. به‌سختی دیگر سود به نسبت سرمایه و دست‌مزد افزایش یافت که تبعات آن افزایش نرخ سود بود».

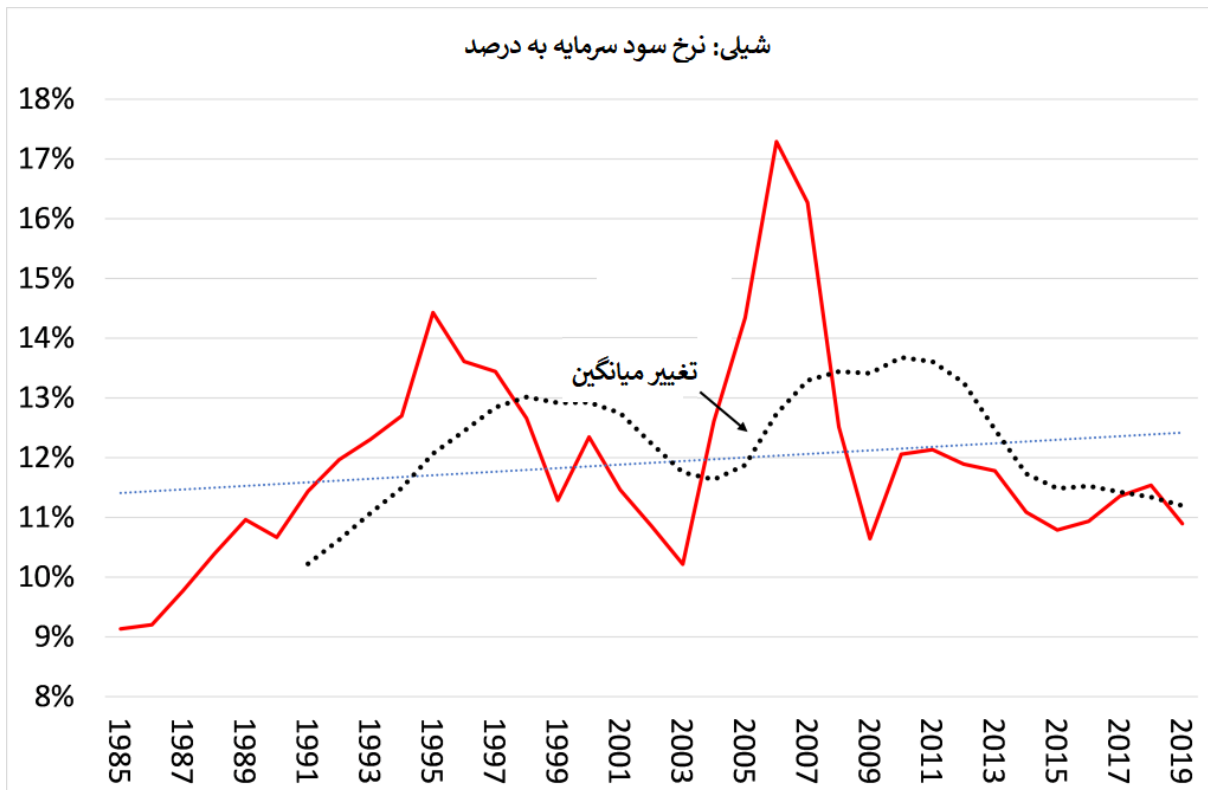
با این وجود، با پایان رونق قیمت کالاها از سال ۲۰۱۰ در سراسر آمریکای لاتین، رکود اقتصادی نسبی ایجاد شد و نرخ سود کاهش پیدا کرد.



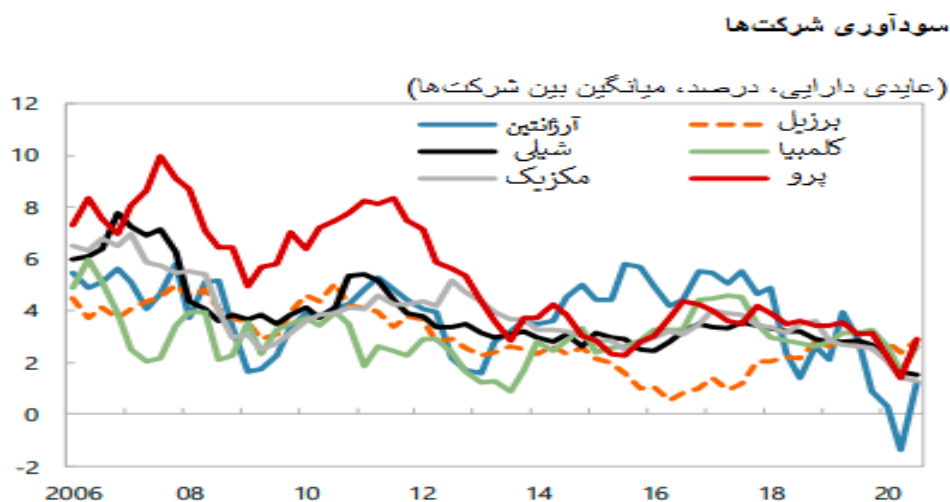
نمودار 7: نرخ سود (درصد) منطبق با گردش سرمایه. خطوط ضخیم نشان‌دهنده‌ی روندها، خطوط نازک مقادیر مشاهده شده

معیار من برای سودآوری شیلی مبتنی بر نرخ واقعی بازگشت سرمایه براساس جدول جهانی پن PWT است که روند مشابهی از نرخ سود را نشان می‌دهد: کاهش این نرخ از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰؛

سپس بهبود رونق قیمت کالاها از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ و رکود و کاهش سودآوری با سقوط قیمت کالاها از سال ۲۰۱۰.



اقدام اخیر صندوق جهانی پول از ۲۰۰۶ به بعد، تأییدکنندهی این روند کلی برای اقتصاد کلیدی کشورهای آمریکای لاتین پس از ۲۰۱۰ است.



کاهش سودآوری پس از ۲۰۱۰ منجر به کندشدن رشد تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، درآمدها و محدودیت‌های بیشتر بر خدمات عمومی قبل از بروز کووید شد. همه‌گیری کووید و فاجعه‌ی بخش سلامت و بهزیستی منجر به فروپاشی اقتصاد شد که بار اصلی و تأثیرات منفی آن متوجه افراد دارای

پایین‌ترین درآمدها و بدترین مشاغل بود. نیروهای طرفدار سرمایه‌داری مجبور به عقب‌نشینی سیاسی شدند.

پیروزی بوریچ می‌تواند گشایش‌گر فصل جدیدی در اقتصاد سیاسی باشد. در واقع نیز اقتصاد شیلی از ظرفیت‌های اقتصادی قابل توجهی برای افزایش سرمایه‌گذاری و دامنه‌ی فعالیت اقتصادی برخوردار است. براساس برآوردهای صندوق جهانی پول حتی در حکومت‌های قبلی صادرات فناوری و مواد غیرمعدنی تا حد معینی افزایش پیدا کرده است. این بایستی مسیری برای شیلی باشد.

آیا آزمایش سوسیالیستی بوریچ می‌تواند احیاکننده‌ی راهی باشد که سالوادور آلنده در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ آغاز کرد؟ این امر تاکنون با توجه به مفاد معتدل برنامه‌ی بوریچ بعید به نظر می‌رسد، چرا که این برنامه حاوی طرح‌هایی برای اجتماعی‌سازی اقتصاد نیست و صرفاً تلاشی برای بازتوزیع نسبتاً یک‌سان و سخاوتمندانه‌ی سرمایه‌ی تصاحب‌شده است. شرکت‌های چندملیتی و نیروهای راست ارتجاعی در بخش اقتصادی شیلی، کنگره و رسانه‌ها برای فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ی دایمی علیه رئیس‌جمهور جدید آماده می‌شوند.

منبع:

<https://thenextrecession.wordpress.com/2021/12/20/chile-copper-bottomed/>

یادداشت:

[۱]. نفتا (NAFTA) یا موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد آمریکای شمالی. یو ام سی ای (UMCA) یا موافقت‌نامه‌ی جایگزین تجارت آزاد آمریکای شمالی.